

# تحلیل شخصیت‌ها و روابط آنها از منظر شاخص‌های شخصی به کار رفته در نمایشنامه

مجتبی حسین‌نیا کلور

فصلنامه هنر  
شماره ۸۰

۹۱

مقدمه:

شاید بتوان گفت هنگامی یک اثر نمایشی در برقراری ارتباط با مخاطب موفق است که بتواند تماشاگر را با ابعاد گوناگون شخصیت‌های حاضر در اثر آشنا کند. در این صورت شخصیت‌نمایشی برای تماشاگر عینیت یافته و تماشاگر ترغیب خواهد شد آنچه را در طول اثر بر سر شخصیت می‌آید، پیگیری کند. در پاسخ به این سؤال که شخصیت‌نمایشی چگونه خود را به تماشاگر می‌نمایاند می‌توان گفت: شخصیت‌ها از شش طریق ماهیت خود را برای تماشاگر افشا می‌کنند: ۱- کلیه وجوه جسمانی، ۲- کنش‌ها (یا فقدان کنش‌ها)، ۳- حرف‌ها (یا فقدان حرف‌ها)، ۴- آداب و عادت، ۵- تأثیر شخصیت‌های دیگر، ۶- نام خود (قادری ۱۳۸۶: ۱۴۳).

ابزار اصلی در شناساندن شخصیت به مخاطب، در نمایشنامه، دیالوگ است. انتقال اطلاعات در نمایشنامه بر عهده دیالوگ است و از مهم‌ترین اطلاعاتی که باید در خلال دیالوگ‌های متن نمایشی به مخاطب منتقل شود، وجوه گوناگون شخصیت‌هاست. آنچه در نمایشنامه بر زبان شخصیت جاری می‌شود، خصوصیات جسمی و روحی او، محیط پیرامونش و رابطه او با سایر شخصیت‌ها را عیان می‌سازد.

در آنچه در پی می آید سعی خواهد شد، به چگونگی آشکار شدن خصوصیت شخصیت‌ها و تحلیل روابط میان آنها در نمایشنامه پرداخته شود. منظری که نگارنده برای رسیدن به این مقصود برگزیده است، بررسی شاخص‌های فردی یا شخصی به کار رفته از سوی شخصیت‌های نمایشنامه در دیالوگ‌هایشان است.

شخصیت‌نمایی در خلال نمایشنامه، در خطاب به خود و یا دیگر شخصیت‌ها ترتیبات گوناگونی اتخاذ می‌کند. برای اشاره به خود و یا مخاطب قراردادن دیگران، گاه از صورت مفرد و گاه از صورت جمع ضمائر و افعال بهره می‌گیرد، گاه برای مخاطب حاضر، صورت سوم شخص به کار می‌گیرد، گاهی نیز برای مخاطب، از القاب و عناوین احترام‌آمیز و گاهی از صورت تحقیرآمیز این عناوین استفاده می‌کند و این چنین رابطه خود با مخاطب سخن، نمایان می‌سازد. چنانکه افراد در زندگی روزمره خود نیز بسته به چگونگی رابطه با مخاطب، شیوه خطاب و استفاده از ضمائر و عناوین را تغییر می‌دهند.

ضمائر و عناوین و القابی که جهت مخاطب قراردادن و اشاره کردن به اشخاص به کار می‌روند، ذیل عنوان شاخص‌های شخصی جای می‌گیرند. در ادامه، تعریف شاخص، به ویژه شاخص‌های شخصی ارائه شده و به نقش آنها در تحلیل شخصیت‌ها و رابطه میان آنها اشاره خواهد شد.

### شاخص‌ها و متن‌نمایی

شاخص (Deixis) به مولفه‌های زبانی که بسترساز سخن در زمان، مکان و منظر گوینده است، عطف می‌کند (راد ۱۳۸۵: ۳۰۰). شاخص‌ها عناصری هستند که زمان یا مکان یا فرد مورد اشاره گوینده یک پاره‌گفتار را در خود دارند. از طریق شاخص‌های به کار رفته در یک متن است که می‌توانیم بفهمیم آنچه مورد اشاره گوینده است، در چه زمانی رخ داده، در چه فاصله مکانی از او اتفاق افتاده، عامل رخداد چه کسی بوده، گوینده نسبت به عامل رخداد چه نظری دارد و نسبت به او در چه سطحی قرار دارد.

شاخص‌ها، ارجاعاتی هستند که گویندگان به خود در حکم گوینده، به مخاطبان‌شان در حکم شنونده مخاطب و به مختصات زمانی و مکانی پاره‌گفتار می‌کنند (الام ۱۳۸۶: ۱۷۳). در صورتی که به عنوان یک مخاطب به متنی مراجعه کنیم، از روی شاخص‌های به کار رفته در متن، می‌توانیم به مناسبات میان گوینده یک گفتار با مخاطب آن در متن پی ببریم. شاخصی که یک گوینده در مقابل مخاطبش به کار می‌برد، مشخص می‌کند او در چه موضعی نسبت به مخاطب قرار دارد. انتخاب یک صورت

زبانی به جای صورت زبانی دیگر، دربردارنده اطلاعاتی در مورد دیدگاه گوینده درباره نوع ارتباط وی با مخاطب است (یول ۱۳۸۵: ۲۰).

از آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت، در یک متن می‌توان از روی شاخص‌های شخصی به کار رفته، مناسبات میان افراد درگیر در آن را بازخوانی کرد. از آنجا که در متن دراماتیک فهم زمان، مکان و نسبت‌های میان شخصیت‌ها، برای درک آنچه روی صحنه می‌گذرد ضروری است، در مطالعه روی متن دراماتیک نیز می‌توان از روی شاخص‌های به کار رفته در یک نمایشنامه، به تحلیلی از چگونگی زمان، مکان و رابطه اشخاص در آن، دست یافت. گفتمان دراماتیک پیوسته با گوینده، شنونده و مختصات بلافصل زمانی - مکانی او پیوند خورده است (الام ۱۳۸۶: ۱۷۲).

شاخص‌ها مهم‌ترین ویژگی زبان درام هستند، چه به لحاظ آماری و چه از نظر نقشی که به عهده دارند (همان: ۴۰). این ویژگی از آنجا نشأت می‌گیرد که متن دراماتیک اصولاً برای تجسم‌یافتن بر صحنه نگاشته می‌شود. فهم موقعیت زمانی، مکان اشیا نسبت به یکدیگر و فاصله آنها از شخصیت‌ها با مراجعه به شاخص‌ها امکان‌پذیر می‌شود. به علاوه با بهره‌گیری از شاخص‌هاست که می‌توان در هر لحظه، مخاطب یک دیالوگ را از میان شخصیت‌های حاضر بر صحنه مشخص کرد. زبان دراماتیک با تراکم شاخص‌ها و عبارات اشاره‌ای (Deictic) همراه است. آنها پرکاربردترین نشانه‌های زبانی در یک نمایشنامه هستند. از آنجا که به واسطه این شاخص‌هاست که ما دنیای دراماتیک را به عنوان مابه ازای دنیای واقعی می‌پذیریم، کاربرد آنها در نمایشنامه است که اسباب انتقال معنی را در تئاتر فراهم می‌سازد. در تئاتر، معنی، دراصل به شاخص‌ها که تنظیم‌کننده شکل‌بندی کنش‌های کلام هستند، واگذار می‌شود. در تئاتر، بلاغت نیز چون نحو، دستور و غیره وابسته به شاخص‌هاست که معنی عامل از تصاویر، حاصل از انواع مختلف زبان، حاصل از حالات متفاوت زبانی شخصیت‌ها، حاصل از وزن، حاصل از حرکت‌ها و غیره را درخود می‌گنجاند و به آن وحدت می‌بخشد (همان: ۱۷۴).

نقل قول بالا تأثیر گسترده شاخص‌ها بر تئاتر را نشان می‌دهد. در این نوشته شاخص‌های شخصی مورد مطالعه قرار خواهند گرفت. شاخص‌های شخصی در زبان فارسی از قرار زیرند:

ضمایر متصل

ضمایر منفصل

کلماتی از قبیل جنابعالی، بنده، حقیر، سرکار و...

انتخاب این گروه از شاخص‌ها وابسته به رابطه اجتماعی گوینده با شخصی است که به کمک چنین شاخصی به او اشاره می‌شود (صفوی ۱۳۸۲: ۸۷).

این شاخص‌ها از آنجا که در خطاب قرار دادن مخاطب یک دیالوگ روی صحنه، که عمدتاً شخصیت نمایشنامه است، به کار می‌روند، می‌توانند در فهم روابط میان گوینده و شنونده یک دیالوگ روی صحنه، که هر دو از شخصیت‌های نمایشنامه‌اند، به کار گرفته شوند.

از آنجا که نگارنده با وجود جست‌وجوی فراوان در منابع گوناگون نتوانست حتی در حد اشاره، نمونه‌ای از تحلیل شخصیت‌ها و روابط آنها از منظر استفاده از شاخص‌های شخصی را بیابد، در ادامه با بررسی کاربرد این شاخص‌ها در یک نمایشنامه نمونه‌ای، سعی خواهد شد رابطه میان اشخاص درگیر در گفت‌وگوها برپایه به کارگیری این شاخص‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. نمایشنامه انتخاب شده برای این منظور نمایشنامه **لبخند باشکوه آقای گیل** اثر اکبر رادی است.

پیش از شروع بررسی لازم می‌نماید که به نقل پیرنگ نمایشنامه پرداخته شود تا علاوه بر به دست دادن یک معرفی اولیه از شخصیت‌ها، بهتر بتوان روابط میان آنها در سیر نمایشنامه را درک کرد.

### پیرنگ نمایشنامه **لبخند باشکوه آقای گیل**

خانواده گیل در پی اصلاحات ارضی و معاوضه زمین‌هایشان با کارخانه و زمین و... در تهران سکونت گزیده‌اند. پدر خانواده، علیقلی خان گیل، به بیماری‌ای دچار می‌شود، فروغ‌الزمان دختر ارشد خانواده که به علت جنون مادر، عهده‌دار تربیتات خانه شده‌است، به تکاپو می‌افتد و خواهرش فخرایران و همسرش را که پزشک هستند به بالین پدر فرا می‌خواند. فخرایران و همسرش، علیقلی خان را معاینه کرده و نظر خود را به آزمایش‌های بیشتر موکول می‌کنند. در عین حال پس از معاینه از علیقلی خان، چکی برای تأسیس بیمارستانی جدید می‌گیرند. مسئله بیماری علیقلی خان، بابی‌اعتنایی جمشید، فرزند ارشد خانواده روبه‌رو می‌شود که به همین دلیل از سوی فروغ‌الزمان مورد مواخذه قرار می‌گیرد. داوود پسر دیگر خانواده که عمدتاً در پی تفریحات خود از قبیل سفر و شکار است، به علیقلی خان پیشنهاد می‌کند که به جای تن دادن به تیغ پزشکان، اقدام به وصلت با طوطی، مستخدمه جوان خانه، کند؛ امری که با موافقت علیقلی خان مواجه می‌شود، اما انجام آن را موکول به رضایت فروغ‌الزمان می‌داند. مهرانگیز، دختر کوچک خانواده نیز در این میان به نقاشی‌های خود سرگرم است و عنایت چندانی به اوضاع پدر ندارد. نورالدین فرزند

تاجر پیشه علیقلی خان نیز با وجود ابراز نگرانی برای حال پدر، بیشتر سرگرم رتق وفتق امور مالی خانواده است. علیقلی خان جمشید را ترغیب به پذیرفتن نقش بیشتری در خانواده می‌کند و با مشاهده الحاح وی، به تحریک فروغ‌الزمان او را از ماترک خود محروم می‌سازد. بارو به وخامت گذاشتن حال علیقلی خان و انتقال وی به بیمارستان و ترک خانه، فروغ‌الزمان به همراه نورالدین کنترل خانه و سرنوشت خانواده را به دست می‌گیرند. به استناد وصیت‌نامه علیقلی خان، جمشید را از خانه می‌رانند؛ امری که مقاومت او را در پی ندارد و تنها به درگیری‌های لفظی جمشید با فروغ‌الزمان و نورالدین ختم می‌شود. جمشید به همراه مهرانگیز تصمیم به ترک خانه می‌گیرند. داوود که به پاس پیشنهادش به علیقلی خان، وسایل شخصی او را به ارث برده است، دچار بحران روحی می‌شود. خود را در هیأت علیقلی خان می‌بیند، به طوطی تعدی کرده و در پی آن خودکشی می‌کند. در پایان نورالدین و فروغ‌الزمان برجای می‌مانند در حالی که کاج هفتاد ساله حیاط خانه، نمودگار اقتدار علیقلی خان، از کمر شکسته است.

#### تحلیل شاخص‌های شخصی به کار رفته از سوی شخصیت‌ها در دیالوگ‌های نمایشنامه

##### الف) علیقلی خان گیل:

آنچه در میان دیالوگ‌های علیقلی خان گیل در نمایشنامه خودنمایی می‌کند، استفاده از صورت مفرد شاخص شخصی برای مخاطب سخن خود است. هیچ‌گاه در گفته‌های علیقلی خان دیده نمی‌شود که صورت‌های اجتماعی شاخص‌های شخصی به کار روند. دلیل این امر را می‌توان جایگاه فراتر علیقلی خان در مناسبات خانواده گیل دانست. علیقلی خان در گفته‌هایش، آنجا که درباره خود سخن می‌گوید نیز از صورت مفرد اول شخص جهت خود استفاده می‌کند. تنها جایی که قصد عتاب یا امر کردن دارد، از صورت اول شخص جمع برای خود استفاده می‌کند.

به عنوان مثال

(خطاب به تجدد) شما بسیار بی‌جا می‌کنین آقای دکتر (صفحه ۵۱).

(خطاب به فخرایران) دسرشم در خدمت ما باشین که لقمه بگذره (صفحه ۴۵).

(خطاب به مهرانگیز) برو به دو سه تا پنجه برای ما گرم کن (صفحه ۵۴).

استفاده از صورت مفرد اول شخص شاخص در مورد خود، خودمدار بودن علیقلی خان را نشان می‌دهد. نکته‌ای که در مورد شاخص‌های به کار رفته از سوی علیقلی خان جلب توجه می‌کند، به

کاربردن لفظ آقا در مورد جمشید در پرده دوم نمایشنامه است. البته قصد از این کاربرد علاوه بر گوشزد شأن و منزلت خانوادگی به جمشید، بیشتر تخفیف اوست، از آنجا که به همراه صورت مفرد شاخص دوم شخص به کار می‌رود. از جمله:

خیلی دستپاچه‌ای آقا (صفحه ۷۸).

کتابخونه زینت تالاره، آخور نیس آقا (صفحه ۸۱).

به خودت وعده نده آقا (صفحه ۸۳).

تو نمی‌خوای آدم بشی آقا؟ (صفحه ۸۵)

با رویکردی که علیقلی خان نسبت به جمشید اتخاذ کرده است، فعل و انفعالات پرده سوم و محرومیت جمشید از ماترک او زمینه‌سازی می‌شود.

### ب) فروغ‌الزمان

متنوع‌ترین و گسترده‌ترین کاربرد شاخص‌های شخصی در نمایشنامه لبخند باشکوه آقای گیل از سوی شخصیت فروغ‌الزمان صورت می‌گیرد. در ادامه به نمونه‌هایی از کاربردهای متنوع شاخص‌های شخصی از سوی این شخصیت در دیالوگ‌هایی که خطاب به سایر شخصیت‌ها بیان می‌کند، اشاره می‌شود.

او همواره در دیالوگ‌هایش، در اشاره به خود از شاخص شخصی اول شخص مفرد استفاده می‌کند. کاربرد این شاخص نشان می‌دهد که شخصیت فروغ‌الزمان خودمدار و مستقل است. او عمدتاً در خطاب به بقیه شخصیت‌ها هم از صورت مفرد شاخص دوم شخص استفاده می‌کند. تنها در مورد علیقلی خان و جمشید است که از این رویه تخطی می‌شود. استفاده از صورت مفرد شاخص دوم شخص نشان‌دهنده اقتدار و برتری‌ای است که او نسبت به اعضای خانواده دارد. این احساس اقتدار حاکی از جایگاه او در سلسله مراتب موجود بین شخصیت‌هاست. در مورد علیقلی خان، چه در حضور و چه در غیاب او، فروغ‌الزمان همیشه از صورت جمع شاخص‌های شخصی استفاده می‌کند. هنگامی که در حضور پدر و خطاب به او صحبت می‌کند، از صورت جمع دوم شخص بهره می‌برد و در غیاب علیقلی خان و در اشاره به او از صورت جمع سوم شخص استفاده می‌کند و در هر دو صورت بر اقتدار و احترام او صحه می‌گذارد.

به عنوان مثال

در حضور پدر:

شما اصلاً وارد قضیه نیستین (صفحه ۷۳).

در غیاب پدر:

حال شون بهتره. دارن استراحت می کنن (صفحه ۱۲۲).

فروغ الزمان در دیالوگ هایش در اشاره به جمشید، از صورت های گوناگون شاخص های شخصی استفاده می کند. گاهی از صورت سوم شخص مفرد «در حضور جمشید» استفاده می کند.

این شخص محترم که شراب شو به حساب آقا می خوره و کتاب و مجله شم به حساب ایشون سفارش می ده، این آقای فهمیده باید بفهمه که این پایین چه خبره (صفحه ۲۲).

وقتی هر شب به سایه سرگردان زیر درخت های بید پر سه می زنه، من نمی تونم بی خیال بشینم و غرق مطالعه بشم (صفحه ۴۲).

و گاهی نیز از صورت جمع سوم شخص سود می برد.

(در جواب پدر) لا بد در مورد دوستان مشخص ایشون (صفحه ۸۴).

دوی نیمه شب، وقتی آقارو لای پوستین پیچیده بودیم و به اون سرعت می بردیم بیمارستان، ایشون کجا بودن؟ (صفحه ۱۱۶).

می خوام بدونم حضرت آقا با این صداقت چه گلی به سر ایشون زدن (صفحه ۱۱۶).

استفاده از ضمیر سوم شخص در مواردی که امکان کاربرد ضمیر دوم شخص وجود دارد، روشی برای بیان دوری و ناآشنایی است. برای غیرمستقیم تر کردن شکایت های پنهان در پاره گفتار و یا غیرشخصی جلوه دادن یک مسئله احتمالی در پاره گفتار نیز استفاده می شود (یول ۲۱:۱۳۸۵).

به طور کلی کاربرد صورت سوم شخص از سوی فروغ الزمان در مورد جمشید، به جای صورت دوم شخص به جهت دور نشان دادن جمشید از اتفاقات خانواده است. او با به کار بردن صورت سوم شخص می خواهد برکنار بودن جمشید از مناسبات خانوادگی را نشان دهد. جمشید در نظر فروغ الزمان شخصیتی جدا از بیکره خانواده به شمار می رود و از این روست که در جاهای مختلف نمایشنامه برای نشان دادن این دوری به دیگران از صورت سوم شخص برای او استفاده می کند.

در مواردی نیز از صورت جمع دوم شخص برای جمشید استفاده می کند.

این شمارو خیلی سراسیمه کرده عزیزم (صفحه ۸۳).

آیا وجدان شما خیلی معذبه؟ (صفحه ۸۴).

حضرت والا در حال اغمان؟ (صفحه ۱۱۷).

و پاره‌ای مواقع نیز از صورت احترام آمیز شاخص‌های اشاره به دوم شخص سود می‌برد.

حالا که این جوره پس جنابعالی منتظر چی هستی؟ (صفحه ۸۵).

بله، دیپلمات سرمه‌ای جنابعالی رو تو تن باغبون زیارت کرده‌ام (صفحه ۸۵).

استفاده از صورت جمع و یا صورت احترام آمیز شاخص دوم شخص در مورد جمشید به هیچ وجه

از روی احترام و به جهت پایگاه و یا شأن جمشید نیست، بلکه در مراجعه به متن و در نظر گرفتن

فحوای جملات مشخص می‌شود که این کاربرد به جهت تخفیف و از روی کنایه بوده است.

در پایان نمایشنامه و پس از راندن جمشید از خانه، فروغ‌الزمان از صفت اشاره‌ای «این» برای اشاره به

جمشید استفاده می‌کند.

بین این چی می‌گه؟ (صفحه ۱۱۵).

کاربرد کلماتی نظیر صفات اشاره به جای شاخص‌های شخصی می‌توانند موضوع را از نظر عاطفی

تعریف کنند (راد ۱۳۸۵: ۳۰۰). فروغ‌الزمان با به کار بردن صفت اشاره‌ای به جای شاخص شخصی در

مورد جمشید، طرد او از خانواده را نشان می‌دهد. استفاده از صفت اشاره‌ای همچنین می‌تواند حمل

بر نادیده گرفتن جمشید از سوی فروغ‌الزمان به عنوان یکی از اشخاص خانواده شود.

او در اشاره به مادرش نیز در استفاده از شاخص‌ها، رفتاری دوگانه پیش می‌گیرد. در غیاب مادر از

صفت اشاره‌ای به جای شاخص شخصی استفاده می‌کند.

اون نمی‌تونه بیاد بیرون (صفحه ۱۷).

اما در حضورش از صورت اول شخص مفرد در مورد او استفاده می‌کند.

مامان عزیزم، تو به‌ام قول داده بودی (صفحه ۲۳).

چی شده مامان؟ تو رفته بودی اون گرامو خاموش کنی (صفحه ۷۶).

این کاربرد دوگانه حکایت از آن دارد که فروغ‌الزمان در نبود مادر سعی در نادیده گرفتن او در تریبات

خانوادگی دارد. از آنجا که به واسطه حذف نقش مادر است که اقتدار و موقعیت فعلی را کسب کرده

است، اما در حضور مادر علی‌رغم حفظ اقتدار خود، به واسطه استفاده از صورت مفرد شاخص دوم

شخص، می‌کوشد او را به عنوان یکی از اعضای خانواده به رسمیت بشناسد.

فروغ‌الزمان از صفت اشاره‌ای به جای شاخص شخصی در چند جای دیگر نمایشنامه نیز استفاده می‌کند.



این موارد عبارتند از:

در مورد مستخدمه منزل

اون لوسیون من نیس که این خانم دزدکی می‌ره سرش (صفحه ۲۵).

منتظر می‌شی تا این دختره برات قهوه دم کنه (صفحه ۴۱).

و در مورد کارگران عمارت

من جداً تعجب می‌کنم این حیوون‌ها رو برای چی اینجا بستیم (صفحه ۷۰).

او از آنجا که خود را از نظر اجتماعی از آنها بالاتر می‌بیند و به آنها به مثابه موجوداتی کارکردی و پست

می‌نگرد، در اشاره به آنها از صفت اشاره‌ای استفاده می‌کند و فاصله و تنفر خود را از آنها نشان می‌دهد.

کاربرد دیگری از شاخص‌ها که جهت روشن کردن شخصیت فروغ‌الزمان می‌تواند در نظر گرفته

شود، در دیالوگ زیر خطاب به مستخدمه منزل نمودار می‌شود.

از یه دختر شایسته، در هر مرتبه‌ای که هست، بعیده که دائماً به خودش وربره، یا به هر اسمی شده

چیزی از کسی قبول کنه... یه دختر فهمیده باید خودشو فرد قابل اعتمادی نشون بده (صفحه ۲۰).

استفاده از صورت سوم شخص به جای صورت دوم شخص در مورد مستخدمه منزل به جهت

غیرمستقیم کردن شکایت است. از آنجا که سبب اصلی را نه خود مستخدمه، بلکه برادران خود

می‌بیند و همچنین از آنجا که دیالوگ در ابتدای نمایشنامه واقع شده و شرایط بحرانی شکل نگرفته

است، به صورت غیرمستقیم شکایت اکتفا می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ج) جمشید

آنچه در کاربرد شاخص‌های شخصی از سوی این شخصیت جلب نظر می‌کند، شاخص‌هایی است

که در اشاره به پدر و فروغ‌الزمان به کار می‌برد. در مورد علیقلی خان، او نیز همچون دیگر اعضای

خانواده در حضور پدر از صورت دوم شخص جمع استفاده می‌کند. اما در غیاب پدر، برخلاف بقیه

شخصیت‌ها، از صورت مفرد سوم شخص بهره می‌گیرد.

به عنوان مثال:

پس ما باید از آقای بزرگ خیلی ممنون باشیم که املاک شو هفتاد میلیون تأخت زده (صفحه ۳۸).

اون حتی نگاهی به‌ام نکرد، یا شایدم کرد... اون به دلایلی ممکن بود نظر مساعدی نسبت به من

نداشته باشد اما در صداقت من شکمی نداشت (صفحه ۱۱۶).

تو با این سیاه‌بازی‌ها و نقشه‌ها طوری اونو توی چنگت گرفتی که در واقع پیش تو بازی می‌کرد و این کم‌کم بر اش به نقش شد (صفحه ۱۱۷).

استفاده از صورت سوم شخص مفرد در مورد پدر از سوی جمشید را می‌توان این‌گونه تعبیر کرد. او که از مناسبات خانوادگی کناره گرفته است، نیازی نمی‌بیند که در نبود پدر، او را همچون باقی اعضای خانواده به عنوان مظهر اقتدار و مشروعیت در نظر بگیرد. از سوی دیگر چون علیقلی خان او را نادیده گرفته است، او نیز در نبود علیقلی خان رتبه او را نادیده گرفته و خود را بی‌نیاز از به کاربردن صورت جمع در مورد او می‌بیند.

جمشید در مواجهه با فروغ‌الزمان نیز از عنوان رسمی او به عنوان استاد دانشگاه استفاده می‌کند؛ امری که با مناسبات درون خانوادگی منافات دارد. به نمونه‌های زیر توجه کنید.

بازم که استاد هنرمند حساس مارو گیر آورده می‌خواد درازش کنه (صفحه ۳۴).

شما خیلی به خودت احترام می‌ذاری خانم دکتر گیل (صفحه ۳۸).

با همه این تفصیلات، استاد بالا بری و پایین بیای، حتی چهار دست و پا رو زمین راه‌بری من مقالات مزخرف تورو نمی‌خونم (صفحه ۴۱).

معذرت می‌خوام استاد من نامه تورو باز کردم (صفحه ۱۱۳).

و حالا مطابق همون تمبر و مهر، عمارت در تصرف استاده (صفحه ۱۱۹).

شماها اینو بهش چی می‌گین پرفسور؟ (صفحه ۱۱۳).

دلیل این کاربرد را می‌توان در نادیده گرفتن اقتدار فروغ‌الزمان از سوی جمشید جست‌وجو کرد. او با گوشزد کردن موقعیت اجتماعی فروغ، موقعیت او در خانواده را کمرنگ می‌کند. علاوه بر این که، این کاربرد سویه کنایه‌ای هم در خود دارد. جمشید عمدتاً در مورد فروغ از صورت مفرد شاخص دوم شخص استفاده می‌کند مگر در پرده دوم، که فروغ‌الزمان مقدمات محرومیت او را فراهم می‌آورد. گویی او اینک سایه یک قدرت فائقه را بر سرنوشت خود احساس می‌کند و از این‌روست که از صورت جمع دوم شخص استفاده می‌کند. به عنوان مثال:

در این صورت خوشوقت می‌شم اگه مادمازل با توضیحات بلیغ شون مننتی بر ما بذارن (صفحه ۸۳).

شما در غیاب من مشاوره می‌کنین و با افکار بدیع تون این مرد محترمو به هیجان می‌آرین. بعد هم به

اسم خانه تکانی مثل یک صغیر درباره من تصمیم می گیرین. بنابراین باید توضیح بدین (صفحه ۸۴).  
می خواین برای شما تانگو برقصم؟ (صفحه ۸۴).

#### د) داوود

نکته های زیر را در مورد شاخص های شخصی که داوود، به کار می برد، می توان ذکر کرد. اول این که او در دیالوگ هایش آنجا که به خود ارجاع می دهد، عمدتاً از صورت جمع استفاده می کند. به عنوان مثال:

بریم به سروتنی صفا بدیم (صفحه ۳۴).

زانوی ارادت ما بر خاک قربان (صفحه ۵۱).

خلاصه که سرما یکی بی کلاه نمونه (صفحه ۱۱۹).

استفاده از چنین شاخص هایی، پایین تر بودن او از نظر سطح فرهنگ و سواد را نسبت به دیگر اعضای خانواده نشان می دهد؛ امری که با استفاده از شاخص های اجتماعی تخفیف کننده در مورد خود، در حضور علیقلی خان، تشدید می شود. به عنوان نمونه:

این برای چاکر اعتبار بزرگیه قربان (صفحه ۹۵).

او عمدتاً در حضور پدر علاوه بر استفاده از صورت جمع دوم شخص، شاخص های اجتماعی احترام آمیز را نیز به گفته هایش می افزاید. از قبیل:

من تخصصی در معده مبارک ندارم عالی جناب، ولی حاضرم به حضرت مقدس شما قسم بخورم که درمان شما یه خرگوشه. یه خرگوش باکره سفید (صفحه ۵۱).

اگر حضرت اجل گیل اراده بفرمایند... (صفحه ۶۶).

مورد چشمگیر دیگر استفاده از لفظ امپراطریس خطاب به فروغ الزمان است که از اقتدار فروغ الزمان در خانواده و صحنه داوود بر آن، در عین کنایه زدن، حکایت دارد. به عنوان مثال:

من هیچ وقت به علیاحضرت امپراطریس بی احترامی نکردهم (صفحه ۳۰)

اون سر دنیا که بریم، حتی تا کره ماه، هیچی مارو خشنود نمی کنه... بنابراین باز یه ساعت دیگه

اینجا می در خدمت امپراطریس ملکه پارک، خیلی باوقار و گوزفندقی دور هم نشسته ایم و صحبت

می کنیم (صفحه ۲۹).

قرار بود برای امپراطریس بز کوهی بز نم و... نشد (صفحه ۱۲۰).

## ها فخرایران

فخرایران در گفت و گوهایش به انجای گوناگون سعی می کند پای همسرش را نیز به میان آورد، از این رو عمدتاً از صورت جمع برای اشاره به خود، به جهت پر رنگ کردن نقش همسرش استفاده می کند. به عنوان مثال:

بفرمایین اینم ما (صفحه ۱۵).

از عهده ما خارجه... مارو می گن جراح پلاستیک... به نگاهی می کنیم (صفحه ۱۸).

همچنین او در اشاره به همسرش همواره از عنوان شغلی او نام می برد تا بدین وسیله ضعف های همسرش را که مرتبه خانوادگی پایین تری دارد، بپوشاند. به عنوان نمونه:

می خواستم برم اتاق عمل که دکتر از مطبش برام زنگ زد (صفحه ۱۶).

ولی تو حرف خوبی نزدی دکتر (صفحه ۱۷).

دکتر تو یه کاری بکن (صفحه ۴۵).

اما او در مواقعی که همسرش به واسطه عملی ضعف هایش را پررنگ می سازد، خطاب به او علاوه بر استفاده از صورت مفرد دوم شخص، استفاده از عنوان شغلی را کنار می گذارد. از جمله:

(خطاب به تجدد که فوز کرده است) درست واستا (صفحه ۵۰).

## و) تجدد

تجدد در برخورد با اعضای خانواده گیل، عمدتاً از صورت دوم شخص جمع به جای صورت مفرد استفاده می کند و این چنین بر ضعف طبقاتی خود نسبت به آنها صحنه می گذارد. به عنوان مثال:

برای طراوت پوست تا می تونین خانم، میوه و سبزی و مایعات میل کنین (صفحه ۱۶).

همچنین برای مخاطب قرار دادن همسرش از عنوان شغلی او استفاده می کند. گویی تنها در این صورت است که می تواند هم شأنی خود با همسرش را نشان دهد. نمونه زیر این مطلب را نشان می دهد.

دکتر جان ۵۶۷ یا ۷۵۶ (صفحه ۴۵).

او هنگامی که درباره بیمارانش حرف می‌زند از صورت جمع اول شخص درباره خود استفاده می‌کند تا بدین ترتیب مقام خود را نسبت به آنها بالاتر نشان دهد.  
به مرضی داشتیم، وضعش خیلی درام بود. هفته‌ای چهار کیسه خون بهش می‌زدیم... آقا چسبیده یقه مارو: دکتر این دنبه‌های بناگوش منو بچین (صفحه ۵۲).

### ز) نورالدین

نورالدین در حضور پدر علاوه بر به کاربردن شاخص‌های دوم شخص جمع، از کلمات احترام‌آمیزی چون آقا و قربان استفاده می‌کند. به عنوان مثال:  
اگه نصح شبی بازم درد، آقارو بتابونه چی؟ (صفحه ۴۷).  
شما التهاب دارین قربان (صفحه ۱۰۵).  
به این ترتیب او منش سرسپرده خود را به نمایش می‌گذارد؛ منشی که در انتهای نمایشنامه در خدمت فروغ‌الزمان قرار می‌گیرد.  
او در پرده سوم و به تبعیت از فروغ‌الزمان در مورد جمشید از صورت سوم شخص به جای دوم شخص استفاده می‌کند.  
می‌تونه بره پیش آقا... عذرخواهی و... (صفحه ۱۳۲).

### ح) گیلاناج

گیلاناج در مورد تمامی اشخاص خانواده از صورت مفرد شاخص‌های شخصی استفاده می‌کند. تنها در حضور علیقلی خان است که سعی می‌کند از صورت جمع شاخص‌های شخصی استفاده کند، اما به دلیل عدم انسجام فکری ناشی از جنون نمی‌تواند به این ترتیب ادامه دهد و باز صورت مفرد را برمی‌گزیند.  
به عنوان مثال:

شما که مٹ گل می‌مونی (صفحه ۶۸).

و در ادامه

همه‌ش ته دلم می‌جوشید نکنه بلایی سرتون بیارن (صفحه ۶۸).

اما در غیاب علیقلی خان به کلاً از صورت مفرد شاخص سوم شخص استفاده می‌کند. از آنجا که

علی رغم بیماری خود را همپایه او می بیند. به عنوان مثال:  
حالا فروغ به نازبالش گذاشته پشتش (صفحه ۲۰).  
دلَم می خواد آقا با دس خودش به ام بده (صفحه ۲۳).

### ط) مهرانگیز

تنها نکته قابل توجه در مورد شاخص های شخصی به کار رفته از سوی مهرانگیز استفاده از عنوان مادر در دیالوگ هایش با گیلانجاج است. دلیل این امر را در احساس گناه او به خاطر جنون مادر پس از تولد او می توان جست. به عنوان یک نمونه:  
اون قنذاق چیه مامان چسبوندی به خودت؟ (صفحه ۶۰).

### ی) طوطی

طوطی در دیالوگ هایش با اعضای خانواده گیل تماماً از صورت جمع برای اشاره به آنها استفاده می کند که علت آن، مرتبه پایین او و عنوان خدمتکاری اش در خانواده گیل است. همچنین برای صحنه گذاشتن به احترامی که احساس می کند باید به خاطر رتبه اجتماعی اش نسبت به اعضای خانواده رعایت کند، علاوه بر به کار بردن صورت جمع شاخص ها از کلمات آقا و خانم نیز استفاده می کند.

فصلنامه هنر  
شماره ۸۰

۱۰۴

### پی نوشت:

۱- دیالوگ هایی که ذکر شد از نمایشنامه چاپ شده در جلد دوم مجموعه آثار رادی «روی صحنه آبی» هستند.

### منابع:

- الام، کبر. ۱۳۸۶. نشانه شناسی تئاتر و درام، ترجمه فرزانه سجودی، چاپ سوم، تهران: قطره  
داد، سیما. ۱۳۸۵. فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ سوم، تهران: مروارید  
رادی، اکبر. ۱۳۸۲. روی صحنه آبی: مجموعه نمایشنامه های اکبر رادی، جلد دوم، تهران: قطره  
صفوی، کورش. ۱۳۸۲. معنی شناسی کاربردی، تهران: همشهری  
قادری، نصرالله. ۱۳۸۶. آناتومی ساختار درام، چاپ دوم، تهران: کتاب نیستان  
بول، جورج. ۱۳۸۵. کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده مهدیرچی و منوچهر توانگر، چاپ دوم، تهران: سمت.